



هؤسی و مدیر مجید موقر

شماره ۳

مرداد ماه ۱۳۱۵

سال چهارم

## ادبیات هندی - راماین

۲

در تحقیق شخصیت رامچند و راون

بقلم آقای ملک الشعرا بهار

در شماره گذشته مقاله‌ای در زیر عنوان ( ادبیات هند ) بمناسبت کتابی خطی که ترجمه افسانه و داستان بزرگ ( رامایانا ) است ، نوشته شد و بطریق ایجاز و اختصار اشارتی بدو کتاب معروف هند : مهابهارت و راماین نموده و خلاصه‌ای از محتویات کتاب اخیر و فصول هفتگانه آن و ذکر ( رام ) و زن او ( سینا ) و دشمن خطرناک او ( راون راجپس ) که دیوی ده سر و رباینده ( سینا ) محبوبه ( رام ) بود ، ذکر کرده و فصلی از عین کتاب نقل کردیم .

پس از انتشار آن مقاله ، بعضی فضلا و دوستان که آن موضوع را پسندیده بودند از نویسنده خواستند که قدری زیاده‌تر در اطراف کتاب و موضوع آن داستان بحث شده و فصولی دیگر هم از اصل نسخه عیناً نقل شود تا اطلاع زیاد تری از آن بدست آید .

بنابر این اطاعت امر یاران را فوزی عظیم شمرده و از برای مزید آگاهی هموطنان از افکار و آداب و اصول عقاید و ادبیات یکی از بزرگترین ملل عالم و قدیمترین

همسایگان ایران که بدون شك و شبهه تأثیر آن خیالات در آداب و اصول افکار و ریشه‌های داستانهای قدیم و ادبیات ملی ما زیاد بوده و تا امروز هم در گوشه و کنار این کشور بقایای آن آثار پایدار و نمودار است، دنباله آن مقالات را تا حدی که خستگی نیفزاید، در حدود همین داستان که در دست است مینویسیم و برای اینکه درك مطلب آسان‌تر شود اندك مقدمه‌ای در اصل عقاید برهمائیان که کتاب ما نحن فیه از آن‌قوم می‌باشد ایراد نموده و در ضمن هم از متن کتاب آنچه مناسب با این مقصود باشد نقل مینمائیم:

### بدهاتا

برهمائیان در حقیقت و در آغاز امر قومی موحد و یگانه پرست بوده‌اند و هم اکنون دانشمندان و فقهای آن طایفه را میتوان پیرو اجداد قدیم و موحد شمرد و غلبه جهال و کوته نظران و برهمنان نادان را نمیتوان دلیل شرك برهمائیان واقعی دانست چه آنان بخدائی یگانه و بزرگ و محیط براستی و دارای حکمت و شعور موسوم به (بدهاتا) فائل‌اند و او را اصل و حقیقت وجود و سایر موجودات یا ممکنات را پرتوی از آن ذات والا میدانند و خدای هندوان از حیث عظمت و ابهت ابداً شباهتی بخدای (قوم یهود) که خدائی کوچک و محدود و مجسم و دون و مختص بیک قوم دون قوم دیگر است نداشته است - بلکه از جهتی به (زروان کبیر) زردشتیان و مانویان و از جهت دیگر با (اهورامزدا) یا (الله) که خدای ایرانیان قدیم و جدید باشد شباهت دارد.

### برهما یا برهما یا برهم

اول تعینی که وجود مطلق گرفت و جلوه خاص فرمود مسمی به (برهما) است - و این (برهما) همانا به (عقل اول) که گروهی از فلاسفه بدان قایلند شبیه است و از (برهما) چهار کس از جنس او به‌هم رسیدند:

(۱) سنک (۲) سنندن (۳) سناتن (۴) سننکمار

و بهر کدام از این چهار وجود ملکوتی فرمایش رفت که همت در پیدائی خاقت برگمارد، و آنان از فراوانی توجه بذات قدسی و مبداء اصلی، بدین کار نپرداختند، بنابراین (برهما) سگالش دیگر گرفت و از پیدایشی خود وجود دیگری برآورد و (مهادیو) نام گرفت، برهما از جلال فراوان که در او دید آفریدن را در خورد او نیافت، ده کس

دیگر را پدید آورد. که با عقول ده گانه فلاسفه شباهت پیدا میکنند. از آن پس از پیکر خود مردی وزنی برآورد:<sup>۱</sup>

مرد: من . زن : ستروکا

من و ست روکا بآدم و حوا در میان سامیان یا به (مشی) و (مشیانه) که مرد و زن اول بعقیده زردشتیان و ایرانیان قدیم باشد شباهت دارند.

عوالم سه گانه:

برهمنیان بمناسبت پنجگانه قائلند، یعنی بر آب و آتش و باد و خاک عنصر پنجمی (آکاس) نام هم افزوده اند، و آنرا محیط بر همه چیز دانند و با آسمان قائل نیستند و شماره را بر دو این نهند و منطقه البروج را بطریقه مشهور بر دوازده بخش فرضی و هر بخشی را نامی که با نام های فارسی یا عربی مطابقت دارد نهاده اند، و این دوازده بخش را دوازده (رأس) گویند، و برای قمر نیز ۲۷ منزل قائلند، و ستارگانرا اجسام صیقلی مستطیر از نیر اعظم دانند و نیر اعظم (خورشید) را نور بخت مستضی از (نور الانوار) و پیوسته بمبدأ وجود مطلق شمارند. و اکثر آنان خورشید و ماه و سیارات و کواکب را دارای نفوس و مانند بشر صاحب احوال و امیال و توالد و تناسل پندارند و گویند بسبب عبادات و تجرد و ترک و تزکیه نین عنصری را گذاشته بمقام ملکوتی فایز شده اند. و زمین را کروی شمارند و سه عالم قائلند: *عالم فانی و مطامع فانی*

(۱) سرك لوك .

(۲) بهولوك .

(۳) باتال .

که نخستین عالم بالا (مینوان) و محل برگزیدگان و جای ثواب کاران و نیکو-روشان و دومی عالم میانین و مسکن بنی آدم و دیگر حیوانات و سومی (دوزخ) و محل جزا و سزای بدکاران باشد و این سه عالم را (سه لوك) خوانند، و برای عالم بالا هفت

۱ - در تعیین اول و آغاز موجودات عقاید دیگری هم ذکر کرده اند و لکن غایب و

کثرن بالین عقیده است .

۲ - لوك با واو مجهول و کاف عربی .

مرتبه و درجه برای عالم اسفل نیز هفت درك یا طبقه تصور کنند، و خلقت جهان را بکرات و مرآت معتقدند.

### اصناف چهارگانه : رکھیسران - چھتریان - بیسان - سودان .

همچنانکه در آئین زردشتی طبقات خلق را بر سه بخش قرار داده اند که :  
آذربانان و رتشتاران و واستریوشان در کیش برهمنائی گویند برهما مردم را بر چهار بخش کرد و برای هر بخش نامی و شغلی مقرر فرمود :

۱) جمعی را از سر خود بیافرید و آنان رکھیسران یا (برهمنان) اند و شغل آنان دانستن (بید) و تربیت خلق است.

۲) جمعی را از بازوان خود بیافرید و آنان (چھتریان) <sup>۱</sup> و شغل آنان حمایت مردم و هنر آنان جرئت و شجاعت و اقدام و سخاوت است .

۳) جمعی را از سرین خود بیافرید و آنان (بیسان) اند که اهل تجارت و صناعات و پیشهای شریف باشند.

۴) جمعی را از پای خود بیافرید و آنها طایفه (سود) یا (شود) اند که خادم آنسه طایفه و صاحبان مشاغل خسیس و دون میباشند و امروز برهمنان آنها را نجس می شمارند !

### دیوته‌ها یا یزته‌ها یا ارباب انواع :

برهمنائیان را نیمه خدایان یا ملکوتی مقتانی است که فرمانروایان عوالم بالا و در عوالم دیگر نیز مؤثراند و از طرفی شبیه به (بزنه) کیش زرتشتی است و از جهتی به (ارباب انواع) یونانیان شباهت دارند و عدد آنها بقدری زیاد است که شرح آن از حوصله خارج است از آنجمله است (مهادیو) و سپس (ایندر) یا (اندر) صاحب اسلحه (بجر) یعنی صاسقه که بر فیلی سپید چهار دندان سوار است که نام آن فیل (ابروان یا: ایراپت) میباشد و این اندر بزرگ و فرمانروای (دیوته) ها است، دیگر (بشن) و (رُدر) و (آگنی) که آذر باشد و (باد) و (برین) یا (ورن) که خداوند عنصر پنجم یعنی

۱ — چھتری که چتری هم خوانده شده و هاء آن غیر ملحوظ است عینا همان لغت

(خشتری) از ماده (شهر) است، یعنی کشوری و در فرس قدیم آنانرا (خشتریوان) یعنی شهر بان و مملکت مدار می گفته اند و با (رتشتاران) هم ردیف اند .

چیزی که بر زمین و اجرام علوی و برعالم محیط است، و (آفتاب) و (ماه) که دو چشم برن یعنی آسمان میباشند و (جم) دارای عصا و کمند که خداوند مرگ و دمار است، و بزرگتر از اینها همه (برهما) یا (برهما) است که خالق عوالم و موجد آدمی و دیوته‌ها و سایر طبقات و جایگاه او برکوه (گیلاس) که قله‌های آن زرین است میباشد... و این دیوتها در نظر برهمنیان دارای حواس و امیال و شهوات اند و هر کدام را زنی است که طرف عشق و علاقه او است، و کاملاً بشری صفاتند و هر يك در حوزه خاص خود بحکومت مشغولند... و دیوتها طبقات مختلف دارند، و هر موجودی از جمادات و نباتات و حیوانات و جواهر و حتی زمان و ساعات زاده دیوته‌ای، و در تحت حکم یکی از دیوتها قرار دارد. و دیوتها و (دتیان) هم‌زاده بودند و دیوتها بادتیان جنکیده آنان را زبون ساختند و رامایانا میگوید: «این زمین تمام چه دریا چه کوه چه بیابان همه از دیوتها و دتیان است»<sup>۱</sup>

### عفاریت و جنیان

باز از بنی اعمام دیوتها در طایفه بوجود آمده است که مورد خوف و بیم برهمنیان قرار گرفته‌اند و آنها از موجودات شرور و بدشکل و آدمی‌خواره اند، و آن دو جماعة (ججه‌ها) یا (راچسها) یا (راکها) است که هر دو طایفه در وقت صبح و شام هولناک مینمایند و بدشکل اند و بسیار میخورند و پر زورند و از نظر غائب میشوند و خون و گوشت و چربی خوراک ایشانست و زور ایشان در شب بیشتر از روزست و فرزندان و نبیره‌های ایشان نیز را چس‌اند و شبها میگردند<sup>۲</sup>... و موضوع حکایت کتاب (رامایانا) مربوط به (راچس‌ان) است و (راون) رئیس آنان که بزور عتبات حکمرانی هر سه لوك (عوالم سه‌گانه) را از (برهما) گرفته بود، و هم‌بود که (سیتا) زن (رام) دلاور را از (جنس تهان) دزدیده و شهر (لنگا) برد... و راچس‌ان از (چچان) قوی‌تر و مهیب‌تر و مردم‌آزارتر اند... و اینها برابر (دیوان) و (جنیان) اند، در کیش زردشتی و اسلام... و برهمنائی آنان را نیز می‌ستاید چنانکه دیوتها را می‌ستاید. و از زمانیکه خود را مغلوب

۱ - صفحه (پ ۳۰۵) نسخه رامایانا خطی نگارنده.

۲ - رامایانا نسخه خطی صفحه (آ ۳۰۶).

عوامل خوفناک طبیعت دیده و در جنگلهای عظیم هندوستان با اشباح خیالی و هیاکل مخوف ورعد و برق و زلزله و آشفشان و خشکسالی و طوفان و امراض برابر میآمده و ناچار از آنها ترسیده و بآنها تملق گفته قربانی و نذورات و عبادات و ادعیه برای جلب محبت و دفع مضار آنها بکار بست و تا امروز همان حال برقرار است!

دانوان - اسپران - کندهریان نیز دنباله رو دیوتها و راجهسان اند و نیز جماعت (بهوت) یعنی جنیان که بیشمارند و خدمت مهادیو میکنند و رنگ و صورت ایشان بانواع است و بعضی خرد و بعضی فربه اند و شبکه های بعضی بزرگست و بعضی را دست بسیار و بعضی را پای بسیار و بعضی را چشم بسیار است و بعضی دهان بسیار و بعضی بینی بسیار دارند و صورتها و زیورهای ایشان گوناگون است، همه مغرور و متکبرانند<sup>۱</sup>. و از آنجمله اند (پساجان) که پس مانده مردم را میخورند.

### حیوانات:

حیوانات از ماران گرفته تا بوزینگان و درندگان و چرندگان و غیره همه بنی الاعمام یکدیگر و از نسل دیوتها و راجهسان و سایر طبقات فوقاند و از میان آنان گاو ماده و فیلان زیاد تر مورد توجه اند و نخست فیل سفید (اندر) از (بهدر) دخترزاده (کسب) که یکی از دیوتهاست بوجود آمد و از (متنکیکا) خواهر (بهدر) فیلان دیگر و از خواهر دیگر او هشت فیل سفید (دکج) که هشت طرف زمین را برکتف خود نگاه داشته اند و مشهور ترین آنها (باون) نام دارد پیدا شدند و ده فیل دیگر که نسل فیلان از آنها باقیمانده هم از او متولد گردید و این فیلان ده گانه بهر صورتی که خواهند برمیآیند و بلندند و نه پیری دارند و نه اندوه دارند و ده هزار نوع فیل از نسل آنها پیدا شدند<sup>۲</sup> ... از یکی از زنان (کسب) دیوته که نام او (بنتا) بود دو پسر پیدا شد یکی (اُرُن) و دوم (کرُر) یا (کزُر) و ارن مصاحب آفتاب شد و (کرُر) سردار همه مرغان گشت. و از (اِرا) سه دختر پیدا شدند که مادر گیاهها و درختان و بیاجهاست. و از (اُسر بهی) دو دختر بوجود آمد یکی (روهنی) نام دوم (کندهری) از روهنی ماده گاو ان و از کندهری اسپان پیدا شدند... الخ.

### اوتارها، مظاهر ایزدی

گویند در ادوار چهارگانه که: ست چک - ترتیا - دواپر - کل جگک باشد ده بار

ده تن بصور مختلفه برای کاری خاص بقدرت (برهما) پیدائی گرفته و هر يك بنوبت خود آن شغل و مهم را بیابان رسانیده و خواهد رسانید. توضیح آنکه خداوند عالم گاهی فروغی از قدرت و حکمت خود در وجودی بودیعه نهاده و او را مأمور شکفتیها مینماید و چنین کسی را (انش اوتار) نامند و گویند (انش اوتار) در گیتی بی شمار آمده و خواهد آمد، چه هیچ ذره ای از فیض انوار ایزدی و فروغ تابناک یزدانی بی بهره نیست - لکن کسی را که حق جل و علاز برای انجام کار و مهمی خاص با فاضله وجود خود برگزیند و ویرامظهر خود گرداند و در او منعکس شود و او را مظهر غرایب امور به نیروی خود فرماید و فرمانروائی و قدرت مطلقه خویش را مدتی در عالم بدو تفویض کند، او را (پورن اوتار) خوانند، و معتقدند که تا بحال نه تن پورن اوتار در عالم پیدا شده و هر کدام کاری که باید برگزارد بگزارده اند و يك تن هم در آخر الزمان خواهد آمد. اینك ما فهرستی از اوتارها مینگاریم:

۱) مچھه اوتار (بشکل ماهی) ۲) کورم اوتار (بشکل سنگ پست) ۳) باراه اوتار (بشکل حیوانی گرنده) ۴) نرسنکه اوتار (از سر تا کمر شیر و باقی آدمی) ۵) بامن اوتار (بشکل مردی گوژپشت) ۶) پرسرام اوتار (آدمی پیکر) ۷) رام اوتار (آدمی پیکر) ۸) کشن اوتار (آدمی پیکر) ۹) بوده اوتار (آدمی پیکر) و دهمین که هنوز پیدائی نیافته: گلکی اوتار، در آینده در شهر (سنهل) از خانه بشجن برهنم از شکم زن او جسودتی بزاید و صدسال بزید... الخ و این اوتارها ممکنست در ایران پایه و مایه وجود اقطاب و اوتاد و ابدال و عقاید صوفیه درباره شیوخ و عقیده غلات در باره علی (علیه السلام) شده باشد، و عوام هند این اوتارها را مانند خدای دیگر می پرستند و مجسمه های آنها را باشکال گوناگون از سیم و زر و غیره ساخته آرا پرستش میکنند، و در انتظار وعده دهمین موعود نشسته اند، چون مسیحیان و یهود در انتظار مسیح و زردشتیان در انتظار هوشیدر و مسلمین در انتظار مهدی و بودائیان در انتظار بودا و دیگران در انتظار وحدت و یگانگی نوع بشر...

ناتمام

۱ - صفحه (۳۰۷) رامایانا ۲۰ - از آئین اکبری دفتر سوم بقلم شیخ ابوالفضل نقل باختصار. ۳ - برای تفصیل اوتارها رجوع شود بسیرالمتاخرین تاریخ هند تالیف سید غلام حسین بن هدایت علی خان جلد اول صفحه ۴ - ۶ نسخه خطی و جلد سوم آئین اکبری تالیف شیخ ابوالفضل دکنی.